



سه شنبه 18 فروردین 1394 - 07:15

خوش بینی به توافق دندان طمع دشمن را تیز می کند

در دقایق پایانی پنجشنبه گذشته در لوزان بالاخره دود سفید به نشانه توافق طرفین از هتل گران قیمت بوریواژ در سوئیس به هوا خاست...

گزارش تحلیلی کیشان

خوش بینی به توافق دندان طمع دشمن را تیز می کند

در دقایق پایانی پنجشنبه گذشته در لوزان بالاخره دود سفید به نشانه توافق طرفین از هتل گران قیمت بوریواژ در سوئیس به هوا خاست و متنی کوتاه در دو صفحه توسط محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه کشورمان و فدریکا موگرینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا به نمایندگی از 5+1 قرائت شد. اما با ارائه تفسیرهای متفاوت و در مواردی متضاد، این دود به سرعت از سفید به خاکستری و سپس سیاهی گرائید تا نشان دهد ماراتن نفس گیر هسته ای میان ایران و غرب همچنان به نقطه پایان نرسیده است.

قرائت های مختلف از دستاورد مذاکرات 9 روزه لوزان حتی به نام آن نیز رسید. در حالی که طرف ایرانی آن را بیانیهای غیرالزام آور توصیف می کند، آمریکایی ها با ارائه لیستی بلند بالا از جزئیات مذاکرات و تعهدات طرفین، آن را توافقی اولیه می دانند که قرار است طی 3 ماه آینده نهایی شود.

هر کدام از طرفین قرائت خاص خود را از ماجرا ارائه می دهند. رئیس جمهور و وزیر خارجه کشورمان از دستاوردهای مذاکرات می گویند؛ رفع یکجای تحریم ها پس از توافق، تعطیل نشدن هیچ کدام از مراکز هسته ای، دو مرحله ای نبودن توافق و... آمریکایی ها هم ادعاهای خود را دارند. سرنوشت فردو، موضوع PMD (ابعاد احتمالی نظامی)، مدت زمان محدودیت ها، چگونگی و زمان رفع تحریم ها، کمیت و کیفیت بازرسی ها (پروتکل الحاقی و کد 1/3) از جمله موارد اختلافی روایت ایران و آمریکا از نتیجه مذاکرات لوزان است.

صبح روز جمعه و ساعاتی پس از قرائت متن مشترک -توافق یا بیانیه؟! - تیم هسته ای کشورمان وارد ایران شد و در فرودگاه مورد استقبال جمعی از هواداران دولت قرار گرفت و ساعاتی بعد نیز اعلام شد مردم برای جشن توافق لوزان به خیابان ها بیایند!

در این میان عده ای نیز با ارسال پیام و یا در اظهار نظرهای خود آنچه در لوزان گذشت را تبریک گفتند و البته عده ای نیز - عمدتاً از منسوبین به دولت- در این میان توافق لوزان را فتح الفتوح، توافق تاریخی و مرحله جدیدی از انقلاب اسلامی نامیدند!

چه روایت ایرانی و چه آمریکایی لوزان را بپذیریم به نظر نمی توان کار را پایان یافته تلقی کرد و به اعتراف دو طرف همچنان تا توافق نهایی راه زیادی در پیش است. اظهار ذوق زدگی و گزافه گویی درباره دستاوردهای لوزان در چنین شرایطی اگرچه ممکن است در ابتدای امر به مذاق دولتمردان خوش بیاید، اما در واقع آبی است که به آسیاب دشمن ریخته می شود و دندان طمع حریف را تیز می کند.

فارغ از روایت دو طرف، به نظر می رسد آنچه در لوزان اتفاق افتاد تعیین چارچوبی برای نگارش متن توافق نهایی بود. چارچوبی که وارد جزئیات نیز شده و راه حل ها را هم تا حد زیادی مشخص کرده است؛ همان چیزی که ظریف از آن به عنوان «چرک نویس» مذاکرات یاد کرده و از همتایان آمریکایی خود به دلیل انتشار این چرک نویس نیز گله کرد.

به طور منطقی آنچه در چرک نویس یک توافق می آید، لزوماً واو به واو در پاک نویس نهایی هم نخواهد آمد که اگر چنین بود چه نیازی به مذاکره طی 3 ماه آینده؟! به فرض به دست آمدن دستاوردهای بزرگ (طبق ادعای دولت)، ابراز ذوق زدگی از آنچه هنوز نهایی نشده و متغیرهای بسیاری می توانند بر آن تاثیر بگذارند، دور از تدبیر است. نباید فراموش کرد که آمریکایی ها بسیار بیشتر از ایران به توافق هسته ای نیاز دارند. دولت اوباما در سیاست داخلی دچار شکست های متعدد و پی در پی شده و عرصه را به رقبای جمهوریخواه خود واگذار کرده است. در سیاست خارجی نیز کاخ سفید وضعیت بهتری

ندارد و مذاکرات هسته‌ای با ایران و فرجام آن، تنها و آخرین امید آنان است. تحلیلگران آمریکایی معتقدند نتیجه مذاکرات هسته‌ای، تاثیری مستقیم و تعیین‌کننده بر انتخابات آینده ریاست جمهوری این کشور دارد و مخالفت‌های جمهوریخواهان با مذاکرات و کارشکنی در این قضیه را باید از این زاویه مورد توجه و تحلیل قرار دهند. آنها به هیچ وجه تمایل ندارند میوه شیرین حل بحران ساختگی هسته‌ای ایران در دامن رقبای دموکراتشان بیافتد. و اما فراتر از این عرصه اساساً آمریکایی‌ها به تحریم به عنوان حربه‌ای جنگی علیه جمهوری اسلامی نگاه می‌کنند و حاضر به دست کشیدن از این حربه نیستند و در این زمینه جمهوریخواهان و دموکرات‌ها تفاوتی با یکدیگر ندارند. تنها نتیجه ابراز شوق و شغف از چنین توافقی که بوی نامتوازن بودن آن بشدت آزاردهنده است، گستاخ و جری‌تر شدن آمریکایی‌ها در میز مذاکرات و سخت‌تر شدن کار در 3 ماه آینده برای تیم هسته‌ای کشورمان خواهد بود و هیچ تناسبی با منافع ملی ندارد.

نکته دیگر در این قضیه نحوه برخورد دولتمردان با منتقدان و پرسشگران است. برخورد توهین‌آمیز با منتقدان و متهم کردن آنان به داشتن منافع جناحی و بانندی و فرار از پاسخگویی به نقدهای فنی در این زمینه به دشمن آدرس غلط می‌دهد. خطوط قرمز هسته‌ای کشورمان روشن و واضح بوده و مقایسه آنچه داده و ستانده شده با این خطوط قرمز کار سخت و پیچیده‌ای نیست. اتهام همنوایی با اسرائیل، زدن انگ کاسب تحریم، کم فکر خواندن منتقدان و وارد کردن اتهام مخالفت با شادی مردم، راه به جایی نمی‌برد و واقعیت‌ها را عوض نمی‌کند.

ایجاد فضایی پرهیاهو، کاذب و به ظاهر شاد و خرم شاید برای خاموش کردن صدای منتقدان مطلوب باشد اما به شدت برای آینده مذاکرات مضر است. ذوق زدگان توافق لوزان نباید فراموش کنند که به گفته تیم ایرانی آنچه در سوئیس به دست آمد و خوانده شد صرفاً یک بیانیه غیرالزام آور بود که تا تبدیل شدن به توافق نهایی حداقل 3 ماه فاصله دارد. نگاهی به ادبیات و اظهارات طرف مقابل درباره مسائلی همچون لزوم تغییر رفتار ایران، تهدید به روی میز بودن همه گزینه‌ها و... به خوبی نشان می‌دهد این قصه سر دراز دارد و این گزافه‌گویی‌ها و تبریک‌ها عجولانه و محل تامل است.